

ارایه مدل راهبردی برای توسعه مشارکت دانش آموزان با پلیس در ارتقای نظم و امنیت

حجت الله مرادی پردنجانی^۱، حمیدرضا سعیدزاده^۲، بیژن عبدالهی^۳

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۶/۰۴

از صفحه ۵۷ تا ۸۰

چکیده

این مقاله به بررسی میزان مشارکت دانش آموزان با پلیس در برقراری نظم و امنیت و ارایه مدلی راهبردی برای آن می‌پردازد و هدف آن بررسی عوامل مؤثر بر توسعه مشارکت دانش آموزان با پلیس در ارتقای نظم و امنیت است و سهم هر یک از عوامل را در گرایش‌های دانش آموزان به مشارکت با عوامل پلیس مورد بررسی قرار می‌دهد. این تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی بوده که به روش پیمایشی و با هدفی کاربردی انجام شده است. برای گردآوری داده‌های تحقیق از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شده است. نمونه آماری تحقیق را تعداد ۲۸۴ نفر از دانش آموزان استان چهارمحال و بختیاری تشکیل می‌دهند که به صورت تصادفی و با روش چند مرحله‌ای انتخاب شده‌اند. نتایج این تحقیق نشان داد که از مجموع دانش آموزان کودکانستانی و ابتدایی، تعداد ۱۳۸ نفر به مشارکت با نیروهای پلیس تمایل نشان داده‌اند، میانگین گرایش‌های مشارکتی دانش آموزان راهنمایی و متوسطه با نیروهای پلیس نیز به میزان ۶/۵۵ به دست آمده که میانگین بالایی است. در مدل تجربی تحلیل مسیر مشارکت دانش آموزان کودکانستانی و ابتدایی با نیروهای پلیس، متغیر انگیزه‌های عاطفی دانش آموزان برای مشارکت با پلیس بهترین تبیین کننده مشارکت دانش آموزان است و در مدل تجربی تحلیل مسیر مشارکت دانش آموزان راهنمایی و متوسطه نیز متغیر احساس تعلق به محل سکونت بیشترین تأثیر و بعد از آن متغیرهای نوع نگرش به همکاری با پلیس، فراهم شدن زمینه‌های مشارکت، احترام به نیروهای پلیس، پابندی به قوانین و مقررات و شناخت ابعاد مشارکتی بهترین تبیین کننده‌های مشارکت دانش آموزان با نیروی انتظامی هستند.

کلید واژه‌ها

مشارکت، دانش آموز، نیروی انتظامی، ارتقای نظم، امنیت اجتماعی.

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد، پژوهشگر دفتر تحقیقات کاربردی استان چهارمحال و بختیاری

۲- کارشناس ارشد فرماندهی و مدیریت و عضو هیئت علمی سازمان مطالعات و تحقیقات ناجا (نویسنده مسئول: hsaedzadeh@yahoo.com)

۳- استادیار مدیریت آموزشی دانشگاه خوارزمی www.SID.ir

با گسترش معنای مشارکت و راه یافتن آن به عرصه‌های مختلف زندگی، امروزه سخن از وضعیتی است که همه مردم در تعیین سرنوشت خویش دخالت آگاهانه و واقعی پیدا کنند. حضور مردم در روند اداره جامعه، از دیرباز مورد توجه بوده است، مدیران اجرایی جامعه نیز آن را پذیرفته‌اند و در میان جریان‌های مختلف، هیچ کس در لفظ و نوشتار از آن سر برناتافته است. یکی از جدیدترین عرصه‌های بروز مشارکت، مشارکت در برقراری نظم و امنیت اجتماعی است که این نوع مشارکت با بروز مسایل و معضلات فرهنگی و اجتماعی، توجه به راه‌حل‌های رفع معضلات و افزایش آگاهی افراد نسبت به این امر اهمیتی دوچندان یافته است. اما باید توجه داشت که در اجرای این مأموریت، به هر میزان که نیروی انتظامی توان علمی، نیروی انسانی و تجهیزاتی را ارتقاء دهد، به تنهایی قادر به پیشگیری از وقوع جرم نیست و نیازمند مشارکت مردمی است. مشارکت مردم و استفاده از ظرفیت‌های مردم در فعالیت‌های نیروی انتظامی موجب حفظ، ایجاد و گسترش نظم و امنیت اجتماعی خواهد شد (محمدی، ۱۳۸۹؛ حسن آبادی، ۱۳۸۹؛ رجب زاده، ۱۳۸۹).

در سال‌های گذشته نحوه مشارکت مردم با نیروی انتظامی در سطوح بسیار پایین و ابتدایی صورت می‌گرفت که این امر موجبات نارضایتی عمومی از عملکرد نیروی انتظامی را در پی داشته است. بنابراین به منظور رفع این معضل و فراهم کردن بسترهای جلب مشارکت و همکاری عمومی با نیروی انتظامی تمهیداتی به عمل آمد که امکان جلب مشارکت‌های عمومی در مأموریت‌های نیروی انتظامی را بیش از پیش فراهم کرده است. بنابراین مشارکت عمومی در حفظ، ایجاد و گسترش نظم و امنیت اجتماعی از اهداف نیروی انتظامی بوده که باید برنامه‌ریزی صحیحی برای آن انجام شود.

در این میان دانش‌آموزان که طیف وسیعی از افراد جامعه را تشکیل می‌دهند، نقش زیادی در حفظ، ایجاد و گسترش نظم و امنیت اجتماعی خواهند داشت. برنامه‌هایی از سوی نیروی انتظامی برای جلب همکاری و مشارکت دانش‌آموزان در برقراری نظم و امنیت اجتماعی صورت گرفته که از جمله این برنامه‌ها می‌توان به اجرای برنامه همیاران

پلیس، نواختن زنگ نظم و انضباط اجتماعی در مدارس کشور، برگزاری مانورهایی با مشارکت دانش‌آموزان و همچنین ترغیب و تشویق دانش‌آموزان به پذیرش مشاغل انتظامی اشاره کرد. اما باید توجه داشت که اجرای هر یک از این برنامه‌ها به صورت مقطعی و موقت کارساز بوده و باید به دنبال راه‌حلی بود تا بتوان از آن طریق دانش‌آموزان را به همکاری با نیروهای انتظامی سوق داد، اما متأسفانه به دلیل نداشتن شناخت از میزان مشارکت دانش‌آموزان با نیروی انتظامی و به تبع آن فقدان امکان برنامه‌ریزی مناسب برای مشارکت، نمی‌توان انتظار زیادی برای مشارکت حداکثری آنان داشت.

علی‌رغم اهمیتی که بحث مشارکت دانش‌آموزان در حفظ، ایجاد و گسترش نظم و امنیت اجتماعی دارد، اما تاکنون تحقیقی در این زمینه صورت نگرفته است، با این حال در این مقاله سعی شده ضمن بررسی وضعیت مشارکت دانش‌آموزان استان چهارمحال و بختیاری با نیروی انتظامی، عوامل مؤثر بر مشارکت آنان را شناسایی و مدلی راهبردی برای مشارکت آنان ارائه دهیم تا نیروی انتظامی کشور با استفاده از آن بتواند مشارکت حداکثری دانش‌آموزان را با عوامل نیروی انتظامی در راستای ارتقای امنیت اجتماعی به همراه داشته باشد. تحقیق در خصوص پیامدها و تأثیرات مشارکت دانش‌آموزان با پلیس از اهمیت زیادی برخوردار است که در ادامه به برخی از علل آن اشاره شده است:

- افزایش قدرت تعامل نیروی انتظامی با آحاد دانش‌آموزان؛
- کاهش ناسازگاری‌های تدریجی عوامل نیروی انتظامی با دانش‌آموزان؛
- کاهش حجم تهدیدات و معضلات اجتماعی و تعارضات دانش‌آموزان؛
- افزایش اعتبار روانی و امنیتی کشور (ستاری، ۱۳۸۹).

بر این اساس هدف اصلی این مطالعه طراحی مدل راهبردی برای توسعه مشارکت دانش‌آموزان با نیروی انتظامی در جهت ارتقای نظم و امنیت عمومی جامعه است.

پیشینه تحقیق

با بررسی‌های به عمل آمده از پایگاه‌های اطلاعاتی در خصوص موضوع تحقیق، پژوهش‌هایی در زمینه مشارکت با نیروی انتظامی یافت شد که در زیر به برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های صورت گرفته پیرامون موضوع تحقیق که چارچوب تجربی تحقیق را تشکیل می‌دهد، اشاره می‌شود.

انصاریان (۱۳۷۹) تحقیقی با عنوان «مشارکت مردم در انجام وظایف نیروی انتظامی» به روش پیمایشی انجام داد. نتایج این پژوهش نشان داد که میزان مشارکت اجتماعی پاسخگویان تابع احساس امنیت آنان، احساس رضایت از عملکرد نیروی انتظامی و میزان اعتماد اجتماعی آنان است. یعنی هر چه احساس امنیت مردم بیشتر، احساس رضایت آنها از عملکرد نیروی انتظامی بالاتر و اعتماد اجتماعی خودشان بیشتر باشد، مشارکت آنها در فعالیت‌های نیروی انتظامی و همکاری با آنان بیشتر می‌شود. این تحقیق همچنین نشان داد که آموزش‌های نیروی انتظامی در این امر تأثیر زیادی داشته است (کرامتی و ملتفت، ۱۳۸۶: ۴۱۹-۳۷۹).

انصاری (۱۳۸۲) تحقیقی با عنوان «پژوهشی در عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در امور مربوط به نیروی انتظامی در شهر تهران» انجام داد. نتایج تحلیلی این پژوهش نشان می‌دهد که رضامندی از فعالیت‌های نیروی انتظامی بیشترین تأثیر را در مورد مشارکت مردم و نیروی انتظامی داشته است. پس از رضایت از عملکرد نیروی انتظامی، اعتماد متقابل بین مردم و کادر پلیس و سپس اعتماد اجتماعی مردم به یکدیگر از اثرگذارترین متغیرهایی هستند که رفتار مشارکتی را بین مردم و نیروی انتظامی به صورت مستقیم تبیین می‌کنند. نتایج تحلیل مدل تحلیل مسیر در سطح روستا نشان داد که پس از اعتماد متقابل، رضامندی یکی از مؤثرترین عوامل در جلب مشارکت خودجوش و تعامل روستاییان تهران است. پس از اعتماد اجتماعی، آموزش مشارکتی مهم‌ترین عاملی است که به صورت غیر مستقیم و با واسطه اعتماد اجتماعی، قانون‌گرایی و اعتماد متقابل بر مشارکت روستاییان تأثیر می‌گذارد (انصاری، ۱۳۸۲: ۱۹۸-۱۴۱).

شرافتی‌پور (۱۳۸۶) تحقیقی با عنوان «عوامل مؤثر بر افزایش مشارکت مردم در حوزه امنیت عمومی با تأکید بر نقش پلیس» انجام داده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد، چنانچه تعامل پلیس و مردم از نوع گرم و متقارن باشد و مردم نتایج مشارکت خود را سودمند تلقی کنند، با واحدهای مختلف نیروی انتظامی بیشتر همکاری می‌کنند که این موضوع موجب پیشبرد اهداف نیروی انتظامی در حوزه امنیت عمومی خواهد بود.

شایگان (۱۳۸۸) تحقیقی با عنوان «نقش سرمایه اجتماعی پلیس در جلب همکاری و مشارکت مردم برای برقراری نظم و امنیت» انجام داد، نتایج این تحقیق نشان می‌دهند که سرمایه اجتماعی پلیس، حضور و مشارکت او در فعالیت‌های محل، همکاری پلیس با مردم به خصوص در ساعات غیر اداری و میزان احترامی که مردم به پلیس می‌گذارند، همگی تأثیر بسزایی در افزایش همکاری و مشارکت مردم با پلیس دارد.

با بررسی دیدگاه‌های نظری و تحقیقات انجام گرفته پیرامون موضوع تحقیق، می‌توان دریافت که در مشارکت مردم با نیروی انتظامی عوامل متعددی تأثیرگذارند که در این مقاله قصد داریم تا مدلی برای تبیین رابطه میان عوامل مختلف اجتماعی و روان‌شناختی مؤثر در مشارکت دانش‌آموزان با پلیس ارائه دهیم.

چارچوب نظری

برای تبیین نظری مشارکت با نیروی انتظامی، در مقاله حاضر بر دو بُعد روان‌شناختی و جامعه‌شناختی مشارکت تأکید شده است. از این‌رو، به منظور تبیین بُعد اجتماعی مشارکت از نظریه‌های جامعه‌شناختی و برای بُعد روان‌شناختی آن از نظریه‌های روانشناسی استفاده شده است. در میان اندیشمندان حوزه جامعه‌شناختی و روان‌شناختی برای تبیین مشارکت از نظریه‌های لیپست، فرنچ، گروه و فیش باین و آیزن استفاده شده است.

در نظریه لیپست^۱ (۱۹۶۴) که بر متغیرهای اجتماعی تأکید می‌شود، عواملی در مشارکت مؤثر است که در محیط بیرونی فرد قرار دارند. در این نظریه پدیده مشارکت



در فرایندهای اجتماعی نظیر همکاری با انجمن‌ها، شوراهای ملی و محلی و نظایر آنها تبیین می‌شود (صفری شالی، ۱۳۷۸: ۸۶).

از دیدگاه گروهه^۱ (۲۰۰۰)، مشارکت زمانی به وجود می‌آید که حداقل وجدان و تعهد فرد نسبت به آن وجود داشته باشد و فرد نسبت به گروه، احساس تعلق داشته باشد (قاسمی پویا، ۱۳۸۲: ۳۱).

از دید فرنچ^۲ (۱۹۶۰)، یکی از دلایل منطقی که باعث می‌شود اعضای یک نظام اجتماعی از برخی تصمیم‌ها احساس رضایت کنند، این است که با مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری، اعضا درمی‌یابند که بیشتر افراد آن نظام اجتماعی مایل به پذیرش تصمیم هستند. مشارکت در تصمیم‌گیری، فرد را از میزان تعهد و توافق گروه آگاه می‌سازد. اگر فرد از پشتیبانی افراد دیگر در مورد تصمیم اتخاذ شده آگاه باشد، احتمال رضامندی وی نیز بیشتر می‌شود. بنابراین، تصمیم‌گیری امروزه یکی از اصول اساسی مشارکت به معنای جدید آن تلقی شده است و مشارکت بدون تصمیم‌گیری ناتمام تلقی می‌شود، از طرف دیگر موجب خشنودی و رضایت فرد مشارکت کننده از فعالیت‌های مشارکتی خود شده و او را به انجام آن ترغیب می‌کند. در حالی که در مشارکت به شکل سنتی آن مشارکت‌جو تنها در اجرای یک محدوده فعالیت گروهی نقش دارد و در عمل از تصمیم‌گیری کنار گذاشته می‌شود و رغبت و نمی‌تواند رضایت‌مندی چندانی از مشارکت خود به دست آورد و در نهایت رضایت‌مندی کمتر، باعث مشارکت و فعالیت کمتر او می‌شود (اکبری، ۱۳۸۳: ۳۵).

نظریه فیش‌باین-آیزن^۳ (۱۹۸۶) از کارآمدترین نظریه‌ها در تبیین مشارکت است و با به‌کارگیری آن در تبیین مشارکت، متغیرهای اصلی مؤثر بر میزان مشارکت مشخص می‌شود. رفتار در پی زنجیره‌ای از عوامل به وجود می‌آید، حلقه ما قبل بروز رفتار، قصد و نیت و هنجار ذهنی است که به وجود آمدن قصد و نیت نیز به نوبه خود تابع دو متغیر،

۱ - Gruchy
 ۲ - French
 ۳ - Fishbin Aizen

گرایش به سوی رفتار و هنجار ذهنی است. در این نظریه، گرایش به نوبه خود تابع دو عامل، انتظار فایده و ارزیابی فایده در نظر گرفته شده است. انتظار فایده به معنای آن است که یک شخص تا چه حد از یک پدیده انتظار فایده دارد. این عامل مستقیماً با میزان سروکار داشتن و نیز شناخت فرد از پدیده مورد نظر و نیز میزان درک وی از اهمیت آن ارتباط دارد، در ارزیابی فایده که معنای آن تا حدی روشن است، شخص ارزیابی می‌کند که آیا آن پدیده برای او فایده‌ای دربرداشته است یا نه؟ در این نظریه، هنجار ذهنی منعکس کننده نفوذ و فشار اجتماعی روی شخص برای انجام یک رفتار است. بدین معنا که شخص به اینکه تا چه حد رفتارش مورد تأیید یا توبیخ افراد یا گروه‌های خاصی قرار خواهد گرفت، توجه دارد. این افراد یا گروه‌ها در واقع نقش مرجع هدایت کننده رفتار را دارند که ممکن است پدر و مادر، دوستان نزدیک، همکاران و همسالان یا اهالی محل باشند و در اصطلاح جامعه‌شناسی به آنها، دیگران مهم گفته می‌شود. متغیر هنجار ذهنی، خود به دو عامل دیگر تجزیه می‌شود؛ ۱- چگونگی ارزیابی یک رفتار خاص از سوی دیگران از نظر فرد و ۲- انگیزه فرد برای پیروی از انتظارات دیگران (یعنی آیا اصلاً ارزیابی دیگران در مورد پدیده یا رفتار مورد نظر برای فرد مهم است یا نه) (رفیع پور، ۱۳۷۲: ۹-۱۱). هنگامی اقدام به مشارکت توسط فرد صورت می‌پذیرد که اول اینکه نیت او برای مشارکت شکل گرفته و او انگیزه کافی برای مشارکت داشته باشد، دوم اینکه امکان مشارکت برای فرد خواهان آن فراهم باشد، هر یک از این دو عامل تحت تأثیر عوامل دیگری تعیین می‌شوند.

نخستین سازه مؤثر بر قصد به مشارکت، اطلاعات فرد در مورد مشارکت است، حداقلی از دانش در مورد یک پدیده یا رفتار لازم است تا ذهن فرد نسبت به آن کنجکاو شده و بتواند آن را موضوع احساسات مثبت یا منفی خود قرار دهد. علاوه بر درک معنای مشارکت، لازم است نسبت به انواع ممکن آن نیز شناخت نسبی حاصل شود. سومین عامل مؤثر در شکل‌گیری انگیزه‌های درونی مشارکت، ارزشمند دانستن پیامدهای متصور برای مشارکت است. می‌توان دو سازه مهم دیگر یعنی تصور فرد از قضاوت دیگران در مورد مشارکت و میزان علاقه فرد به برآوردن توقعات دیگران را در این زمینه مؤثر دانست. عامل دیگری که می‌تواند نقش تسهیل کننده یا مانع را در ایجاد انگیزه مشارکت داشته باشد، سوابق فرد در



زمینه مشارکت است. مشاهده‌ها تأیید می‌کنند که افراد دارای سابقه مشارکت در امری خاص معمولاً برای تکرار آن انگیزش بیشتری دارند، البته اگر مشارکت قبلی افراد پاداش مناسب اجتماعی در پی داشته باشد. در صورت مساعد بودن عوامل فوق، قصد مشارکت در فرد پدید می‌آید. اما تنها قصد و نیت برای اقدام به مشارکت کافی نیست، بلکه وجود امکان و شرایط لازم برای اقدام نیز ضرورت دارد (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۲۴).

با توجه به دیدگاه‌های ارائه شده، برای تبیین مشارکت با پلیس از نظریات جامعه‌شناسی و روان‌شناسی استفاده شده است.

فرضیه‌ها

- ۱- بین اعتماد اجتماعی دانش‌آموزان با گرایش آنها به مشارکت با نیروی انتظامی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۲- بین فراهم بودن زمینه‌های مشارکت با گرایش دانش‌آموزان به مشارکت با نیروی انتظامی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۳- بین شناخت دانش‌آموزان از ابعاد مشارکت با گرایش آنها به مشارکت با نیروی انتظامی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۴- بین سابقه مشارکتی دانش‌آموزان با گرایش آنها به مشارکت با نیروی انتظامی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۵- بین رضایت دانش‌آموزان از خدمات و عملکرد نیروی انتظامی با گرایش به مشارکت با نیروی انتظامی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۶- بین روابط اجتماعی دانش‌آموزان با گرایش آنها به مشارکت با نیروی انتظامی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۷- بین پایبندی دانش‌آموزان به قوانین و مقررات با گرایش آنها به مشارکت با نیروی انتظامی رابطه معناداری وجود دارد.

- ۸- بین احساس امنیت اجتماعی دانش‌آموزان با گرایش آنها به مشارکت با نیروی انتظامی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۹- بین احترام دانش‌آموزان به عوامل نیروی انتظامی با گرایش آنها به مشارکت با نیروی انتظامی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۱۰- بین مطالبات دانش‌آموزان از نیروی انتظامی با گرایش آنها به مشارکت با نیروی انتظامی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۱۱- بین حمایت نیروی انتظامی از دانش‌آموزان با گرایش آنها به مشارکت با نیروی انتظامی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۱۲- بین تمایل دانش‌آموزان به پذیرش شغل پلیس با گرایش آنها به مشارکت با نیروی انتظامی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۱۳- بین احساس تعلق دانش‌آموزان با گرایش آنها به مشارکت با نیروی انتظامی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۱۴- بین تمایل دانش‌آموزان به همکاری با نیروی انتظامی با گرایش به مشارکت با نیروی انتظامی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۱۵- تفاوت معناداری میان گرایش‌های مشارکتی دانش‌آموزان شهری و روستایی وجود ندارد.
- ۱۶- تفاوت معناداری میان گرایش‌های مشارکتی دانش‌آموزان مقاطع تحصیلی وجود ندارد.

روش‌شناسی تحقیق

با توجه به اینکه هدف تحقیق حاضر، ارایه مدلی راهبردی برای مشارکت دانش‌آموزان با نیروی انتظامی در برقراری نظم و امنیت اجتماعی است و به مسئولان نیروی انتظامی در یاری رساندن به فرایند تصمیم‌گیری در ارتقای نظم و امنیت اجتماعی کمک می‌کند به لحاظ طرح تحقیقی در زمره طرح‌های توصیفی به حساب می‌آید و با توجه به اینکه به توسعه دانش کاربردی می‌پردازد، از نوع کاربردی به شمار می‌آید، زیرا هدف این تحقیق نیز توسعه دانش کاربردی در زمینه مشارکت دانش‌آموزان با نیروی انتظامی



است و از آنجایی که به تحلیل وضعیت موجود در خصوص عوامل مؤثر در مشارکت دانش‌آموزان و تبیین رابطه میان عوامل مذکور با مشارکت دانش‌آموزان در مقطع زمانی حاضر و به صورتی واقعی می‌پردازد، از نوع همبستگی است. جامعه آماری تحقیق را دانش‌آموزان پسر کودکان، ابتدایی، راهنمایی و متوسطه و پیش‌دانشگاهی استان چهارمحال و بختیاری تشکیل می‌دهند. به منظور گردآوری داده‌های مورد نیاز درباره افراد جامعه، در پژوهش حاضر از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای استفاده شد و برای تعیین حجم نمونه مورد نیاز از آماره مجذور کای جرسی و مورگان (۱۹۷۰) استفاده شد. با انجام محاسبات مربوطه، حجم نمونه مورد نیاز برابر ۳۸۴ نفر به دست آمد.

برای گردآوری داده‌های مورد نیاز در این تحقیق، علاوه بر اطلاعات کتابخانه‌ای که به منظور دستیابی به پیشینه تحقیق و مباحث نظری انجام گرفت، در مرحله میدانی از دو پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شد. برای محاسبه پایایی پرسش‌نامه نیز از روش برآورد ضریب آلفای کرونباخ که یکی از روش‌های محاسبه پایایی و تعیین همبستگی درونی ابزار اندازه‌گیری است، استفاده شد. به همین منظور پرسش‌نامه اولیه (۶۰ سؤال) بر روی ۶۰ نفر از دانش‌آموزان اجرا و بعد از آنکه سؤال‌های نامربوط حذف شد، ضریب آلفای کرونباخ برای سؤال‌های مربوط به عوامل مؤثر بر مشارکت دانش‌آموزان برابر ۰/۷۹ و سؤال‌های مربوط به گرایش‌های مشارکتی آنان به میزان ۰/۷۷ به دست آمد.

یافته‌های تحقیق

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و استنتاج از آنها و آزمون فرضیات تحقیق از آزمون رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر استفاده شده است.

در این بخش ابتدا فرضیات اصلی تحقیق مورد تحلیل و آزمون قرار گرفته و در ادامه نتایج تحلیل رگرسیونی اثر متغیرهای پیش‌بین بر گرایش‌های مشارکتی دانش‌آموزان و همچنین مدل تجربی تحلیل مسیر مشارکت دانش‌آموزان با نیروی انتظامی ارائه می‌شود. جدول شماره یک (ص ۷۴)، نتایج مربوط به آزمون فرضیه‌های تحقیق را نشان می‌دهد.

- نتایج نشان داد که بین متغیر اعتماد اجتماعی با گرایش‌های مشارکتی دانش‌آموزان، رابطه معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی و سطح معناداری به دست آمده نشان دهنده رابطه‌ای معنادار میان دو متغیر اعتماد اجتماعی و گرایش‌های مشارکتی دانش‌آموزان در سطح ۰/۵ است.
- نتایج نشان داد که بین متغیر فراهم شدن زمینه‌های مشارکت با گرایش‌های مشارکتی دانش‌آموزان کودکان، ابتدایی، راهنمایی و متوسطه رابطه معناداری وجود ندارد. ضریب همبستگی و سطح معناداری به دست آمده نشان دهنده رابطه‌ای غیرمعنادار میان دو متغیر فراهم شدن زمینه‌های مشارکت و گرایش‌های مشارکتی دانش‌آموزان در سطح ۰/۵ است.
- نتایج نشان داد که بین متغیر شناخت از ابعاد مشارکت با گرایش‌های مشارکتی دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی و سطح معناداری به دست آمده نشان دهنده رابطه‌ای معنادار میان دو متغیر در سطح ۰/۵ است.
- نتایج نشان داد که بین متغیر سابقه مشارکت با گرایش‌های مشارکتی دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی و سطح معناداری به دست آمده نشان دهنده رابطه‌ای معنادار میان دو متغیر سابقه مشارکت و گرایش‌های مشارکتی دانش‌آموزان در سطح ۰/۵ است.
- نتایج نشان داد که بین متغیر روابط اجتماعی با گرایش‌های مشارکتی دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی و سطح معناداری به دست آمده نشان دهنده رابطه‌ای معنادار میان دو متغیر روابط اجتماعی و گرایش‌های مشارکتی دانش‌آموزان در سطح ۰/۵ است.
- نتایج نشان داد که بین متغیر انگیزه عاطفی با گرایش‌های مشارکتی دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی و سطح معناداری به دست آمده نشان دهنده رابطه‌ای معنادار میان دو متغیر انگیزه عاطفی و گرایش‌های مشارکتی دانش‌آموزان در سطح ۰/۵ است.



- نتایج نشان داد که بین متغیر پایبندی به قوانین و مقررات با گرایش‌های مشارکتی دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی و سطح معناداری به دست آمده نشان دهنده رابطه‌ای معنادار میان دو متغیر پایبندی به قوانین و مقررات و گرایش‌های مشارکتی دانش‌آموزان در سطح ۰/۵ است.
- نتایج نشان داد که بین متغیر احساس امنیت با گرایش‌های مشارکتی دانش‌آموزان راهنمایی و متوسطه، رابطه معناداری وجود دارد، در صورتی که چنین رابطه‌ای برای دانش‌آموزان کودکتانی و ابتدایی وجود ندارد. ضریب همبستگی و سطح معناداری به دست آمده نشان دهنده رابطه‌ای معنادار میان دو متغیر احساس امنیت و گرایش‌های مشارکتی دانش‌آموزان راهنمایی و متوسطه در سطح ۰/۵ است.
- نتایج نشان داد که بین متغیر احترام به عوامل نیروی انتظامی با گرایش‌های مشارکتی دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی و سطح معناداری به دست آمده نشان دهنده رابطه‌ای معنادار میان دو متغیر احترام به عوامل نیروی انتظامی و گرایش‌های مشارکتی دانش‌آموزان در سطح ۰/۵ است.
- نتایج نشان داد که بین متغیر مطالبات دانش‌آموزان راهنمایی و متوسطه از نیروی انتظامی با گرایش‌های مشارکتی آنان رابطه معناداری وجود دارد، در صورتی که چنین رابطه‌ای در بین دانش‌آموزان کودکتانی و ابتدایی مشاهده نشده است. ضریب همبستگی و سطح معناداری به دست آمده نشان دهنده رابطه‌ای معنادار میان دو متغیر مطالبات دانش‌آموزان راهنمایی و متوسطه از نیروی انتظامی و گرایش‌های مشارکتی آنان در سطح ۰/۵ است.
- نتایج نشان داد که بین متغیر حمایت نیروی انتظامی از دانش‌آموزان با گرایش‌های مشارکتی آنها رابطه معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی و سطح معناداری به دست آمده نشان دهنده رابطه‌ای معنادار میان دو متغیر حمایت نیروی انتظامی از دانش‌آموزان و گرایش‌های مشارکتی آنان در سطح ۰/۵ است.

- نتایج نشان داد که بین متغیر تمایل دانش‌آموزان به پذیرش شغل پلیس با گرایش‌های مشارکتی آنها رابطه معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی و سطح معناداری به دست آمده نشان دهنده رابطه‌ای معنادار میان دو متغیر تمایل دانش‌آموزان به پذیرش شغل پلیس و گرایش‌های مشارکتی دانش‌آموزان در سطح ۰/۵ است.

- نتایج نشان داد که بین متغیر احساس تعلق با گرایش‌های مشارکتی دانش‌آموزان راهنمایی و متوسطه رابطه معناداری وجود دارد، در صورتی که چنین رابطه‌ای بین این دو متغیر در دانش‌آموزان کودکستانی و ابتدایی وجود ندارد. ضریب همبستگی و سطح معناداری به دست آمده نیز نشان دهنده رابطه‌ای معنادار میان دو متغیر احساس تعلق و گرایش‌های مشارکتی دانش‌آموزان راهنمایی و متوسطه در سطح ۰/۵ است.

- نتایج نشان داد که بین متغیر نگرش به همکاری با پلیس با گرایش‌های مشارکتی دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی و سطح معناداری به دست آمده نیز نشان دهنده رابطه‌ای معنادار میان دو متغیر نوع نگرش به همکاری با پلیس و گرایش‌های مشارکتی دانش‌آموزان در سطح ۰/۵ است.

همچنین بر اساس نتایج این تحقیق، تفاوت معناداری بین گرایش‌های مشارکتی دانش‌آموزان شهرها و روستاهای استان مورد مطالعه وجود ندارد. در آزمون این فرضیه سعی شده است تا گرایش‌های مشارکتی دانش‌آموزان ساکن در شهرها و روستاهای استان مورد آزمون قرار گیرد. همان‌گونه که نتایج نشان می‌دهد، گرایش‌های مشارکتی دانش‌آموزان ساکن در شهر و روستاهای استان، تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند. سطح معناداری به دست آمده (۰/۴۷۲)، نشان‌دهنده نبود تفاوت معنادار میان گرایش‌های مشارکتی دانش‌آموزان شهر و روستا در سطح ۰/۵ است.



بر اساس نتایج این تحقیق، تفاوت معناداری بین گرایش‌های مشارکتی دانش‌آموزان مقاطع مختلف تحصیلی وجود ندارد. در آزمون این فرضیه سعی شده است تا گرایش‌های مشارکتی دانش‌آموزان مقاطع مختلف تحصیلی مورد آزمون قرار گیرد. همان‌گونه که نتایج نشان می‌دهد، گرایش‌های مشارکتی دانش‌آموزان مقاطع مختلف تحصیلی تفاوت معناداری با یکدیگر دارند. سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) نشان دهنده تفاوت معنادار میان گرایش‌های مشارکتی دانش‌آموزان مقاطع مختلف تحصیلی در سطح ۰/۵ است.

جدول ۱: نتایج آزمون فرضیات تحقیق

راهنمایی و متوسطه		کودکستانی و ابتدایی		متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین
معنا داری	ضریب	معنا داری	ضریب		
/۰۰۰	Spearman=۰۲۶۹	/۰۰۰	Phi=۰۱۸۵	گرایش‌های مشارکتی	اعتماد اجتماعی
/۱۳۰	Spearman=۰۳۲۸	/۶۰۹	Phi=۰۰۳۰	گرایش‌های مشارکتی	فراهم شدن زمینه‌های مشارکتی
/۰۰۵	Spearman=۰۳۴۵	/۰۱۶	Phi=۰۱۸۶	گرایش‌های مشارکتی	شناخت از ابعاد مشارکت
/۰۰۰	Spearman=۰۳۵۷	/۰۱۱	Phi=۰۱۸۱	گرایش‌های مشارکتی	سابقه مشارکتی
/۰۰۰	Spearman=۰۳۰۸	/۰۱۳	Phi=۰۱۹۱	گرایش‌های مشارکتی	رضایت از خدمات و عملکرد نیروی انتظامی
/۰۰۰	Spearman=۰۳۵۰	/۰۰۵	Phi=۰۲۲۶	گرایش‌های مشارکتی	روابط اجتماعی
/۰۰۰	Spearman=۰۴۲۸	/۰۰۰	Phi=۰۳۴۴	گرایش‌های مشارکتی	انگیزه عاطفی
/۰۰۰	Spearman=۰۳۴۱	/۰۰۰	Phi=۰۱۹۵	گرایش‌های مشارکتی	پایبندی به قوانین و مقررات
/۰۰۰	Spearman=۰۳۵۷	/۳۰۷	Phi=۰۰۸۴	گرایش‌های مشارکتی	احساس امنیت
/۰۰۰	Spearman=۰۳۷۸	/۰۰۰	Phi=۰۲۰۸	گرایش‌های مشارکتی	احترام به عوامل نیروی انتظامی
/۰۰۰	Spearman=۰۴۱۱	/۲۷۵	Phi=۰۰۸۴	گرایش‌های مشارکتی	مطالبات دانش‌آموزان از نیروی انتظامی
/۰۰۰	Spearman=۰۴۳۵	/۰۰۰	Phi=۰۴۲۵	گرایش‌های مشارکتی	حمایت نیروی انتظامی از دانش‌آموزان
/۰۰۰	Spearman=۰۴۵۲	/۰۰۷	Phi=۰۰۲۵	گرایش‌های مشارکتی	تمایل دانش‌آموزان به پذیرش شغل پلیس
/۰۰۰	Spearman=۰۵۲۴	/۲۹۷	Phi=۰۰۸۰	گرایش‌های مشارکتی	احساس تعلق
/۰۰۰	Spearman=۰۴۵۸	/۰۰۱	Phi=۰۲۵۱	گرایش‌های مشارکتی	تمایل به همکاری با پلیس

تحلیل رگرسیون اثر متغیرهای پیش‌بین بر گرایش‌های مشارکتی دانش‌آموزان کودکستانی و ابتدایی

در جداول شماره دو و سه، خلاصه نتایج تحلیل رگرسیونی اثر متغیرهای مستقل بر گرایش به مشارکت آمده است. جدول شماره دو، مقدار ضریب تعیین ($R \text{ Square} = ۰/۲۵۳$) را نشان می‌دهد که برای این اساس، تنها $۲۵/۳$ درصد از تغییرات مربوط به گرایش مشارکتی دانش‌آموزان کودکانی و ابتدایی با متغیرهای اعتماد اجتماعی، رضایت‌مندی دانش‌آموزان از خدمات و عملکرد نیروی انتظامی و انگیزه‌های دانش‌آموزان برای مشارکت با نیروی انتظامی تبیین می‌شود و بقیه تغییرات مربوط به گرایش‌های مشارکتی دانش‌آموزان کودکانی و ابتدایی با متغیرهای خارج از این تحقیق توضیح داده می‌شوند.

جدول ۲: ضریب تعیین متغیرهای تحقیق

مدل	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate	Durbin-Watson
۱	۰.۵۰۳	۰.۲۵۳	۰.۱۶۴	۰.۸۰۶۱۴	۱.۴۱۰

جدول شماره سه (ص ۷۶)، ضریب متغیرهای استاندارد شده و استاندارد نشده را نشان می‌دهد. با توجه به ستون معناداری (Sig)، ملاحظه می‌شود که فقط سه متغیر اعتماد اجتماعی، رضایت از خدمات و عملکرد نیروی انتظامی و انگیزه‌های عاطفی دانش‌آموزان معنادار هستند و نتایج بقیه متغیرها معنادار نبوده است. بنابراین اگر بخواهیم با توجه به ضرایب بتا^۱ و بی^۲ معادله خط رگرسیونی را بنویسیم به صورت زیر خواهد بود:

$$y = ۰/۲۴۴(\text{اعتماد}) + ۰/۱۶۴(\text{رضایت}) + ۰/۲۶۵(\text{انگیزه})$$

$$y = ۰/۷۹۱ + ۳/۴۴۲(\text{انگیزه}) + ۰/۹۴۷(\text{رضایت}) + ۰/۴۴۹(\text{اعتماد})$$

۱ - Beta

۲ - B



جدول ۳: ضرایب استاندارد شده و استاندارد نشده متغیرهای تحقیق

مدل	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients		تی	معناداری
	بی	Std. Error	بتا			
۱ (Constant)	۳.۴۴۲	۰.۷۰۹			۴.۸۵۳	۰.۰۰۰
اعتماد اجتماعی	۰.۷۹۱	۰.۳۱۳	۰.۲۰۴		۲.۵۲۴	۰.۰۱۳
فراهم بودن زمینه	۰.۰۹۳	۰.۱۴۳	۰.۰۴۹		-۰.۶۵۲	۰.۵۱۶
پيامدهای مشارکت	-۰.۰۵۷	۰.۱۸۳	-۰.۰۲۸		-۰.۳۱۰	۰.۷۵۷
ابعاد مشارکت	۰.۳۹۹	۰.۲۱۶	۰.۱۵۲		-۱.۸۴۹	۰.۰۶۶
تصور از قضاوت دیگران	-۰.۰۴۶	۰.۱۸۵	-۰.۰۲۰		-۰.۲۵۱	۰.۸۰۲
سابقه مشارکتی	-۰.۰۸۸	۰.۰۷۴	-۰.۰۸۹		-۱.۲۰۱	۰.۲۳۲
رضایت از پلیس	-۰.۰۴۹	۰.۲۱۴	۰.۱۶۴		۲.۰۹۹	۰.۰۳۷
روابط اجتماعی	-۰.۰۴۶	۰.۲۴۶	۰.۰۱۶		۰.۱۸۸	۰.۸۵۲
انگیزه مشارکت	۰.۹۴۷	۰.۳۱۸	۰.۲۶۵		۲.۹۷۶	۰.۰۰۳
پایبندی به مقررات	-۰.۲۱۴	۰.۳۴۲	-۰.۰۸۶		-۰.۸۸۶	۰.۳۷۷
پیشگیری از جرم	۰.۵۴۵	۰.۳۵۱	۰.۱۱۴		۱.۵۵۴	۰.۱۲۲
احساس امنیت	-۰.۳۲۱	۰.۱۸۷	-۰.۱۳۶		-۱.۷۱۷	۰.۰۸۸
احترام به پلیس	۰.۱۸۳	۰.۳۱۱	۰.۰۴۴		۰.۵۸۹	۰.۵۵۷
مطالبات از پلیس	۰.۲۳۱	۰.۱۸۱	۰.۰۹۵		۱.۲۷۵	۰.۲۰۴
حمایت از دانش آموز	۰.۲۱۹	۰.۲۲۴	۰.۱۰۶		۰.۹۷۴	۰.۳۳۱
شغل پلیس	۰.۰۴۴	۰.۰۸۶	۰.۰۴۴		۰.۵۱۷	۰.۶۰۶
احساس تعلق	۰.۱۰۲	۰.۰۷۴	۰.۱۰۳		۱.۳۷۷	۰.۱۷۰
همکاری با انجمن‌ها	۰.۱۰۸	۰.۲۱۳	۰.۰۴۴		۰.۵۰۸	۰.۶۱۲

پژوهش نامه نظم و امنیت انتظامی، سال ششم، شماره اول (پیاپی بیست و یکم)، بهار ۱۳۹۲

تحلیل رگرسیون اثر متغیرهای پیش‌بین بر گرایش به مشارکت دانش‌آموزان راهنمایی و متوسطه در جداول شماره پنج و شش، خلاصه نتایج تحلیل رگرسیونی اثر متغیرهای مستقل بر گرایش به مشارکت آمده است. جدول مقدار ضریب تعیین ($R^2 = 0/555$) نشان می‌دهد که تنها ۵۵/۵ درصد از تغییرات مربوط به گرایش مشارکتی دانش‌آموزان راهنمایی و متوسطه با متغیرهای، فراهم شدن زمینه‌های مشارکت، شناخت از ابعاد مشارکت، پایبندی به قوانین و مقررات، احترام دانش‌آموزان به نیروی انتظامی، احساس تعلق و نوع نگرش به همکاری با پلیس توضیح داده می‌شود و دیگر تغییرات مربوط به گرایش‌های مشارکتی دانش‌آموزان راهنمایی و متوسطه به وسیله متغیرهای خارج از این تحقیق توضیح داده می‌شوند.

جدول ۵: ضریب تعیین متغیرهای تحقیق

مدل	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate	Durbin-Watson
۱	۰.۷۴۵ ^a	۰.۵۵۵	۰.۵۱۴	۴.۱۲۶۲۶	۲.۰۴۱

جدول شماره شش، ضریب متغیرهای استاندارد شده و استاندارد نشده را نشان می‌دهد. با توجه به ستون معناداری (Sig)، ملاحظه می‌شود که فقط شش متغیر، فراهم شدن زمینه‌های مشارکت، شناخت از ابعاد مشارکت، پایبندی به قوانین و مقررات، احترام به نیروهای پلیس، احساس تعلق و نوع نگرش به همکاری، معنادار هستند و مقادیر دیگر متغیرها معنادار نیستند.

بنابراین اگر بخواهیم با توجه به ضرایب بتا و بی، معادله خط رگرسیونی بنویسیم به صورت زیر خواهد شد:

$$y = / ۱۴۶(z\alpha \min eh) + / ۱۰۷(abaad) + / ۱۱۸(paybandi) + / ۱۱۱(ehteram) + / ۳۰۹(ta \log h) + / ۱۶۱(hamkari)$$

معادله رگرسیون با توجه به ضرایب بی، عبارت‌است از:

$$y = / ۲۳۷(z\alpha \min eh) + / ۱۱۱(abaad) + / ۴۰۷(paybandi) + / ۳۶۸(ehteram) + / ۰۳۷(ta \log h) + / ۴۷۸(hamkari) + ۲ / ۲۳۹$$

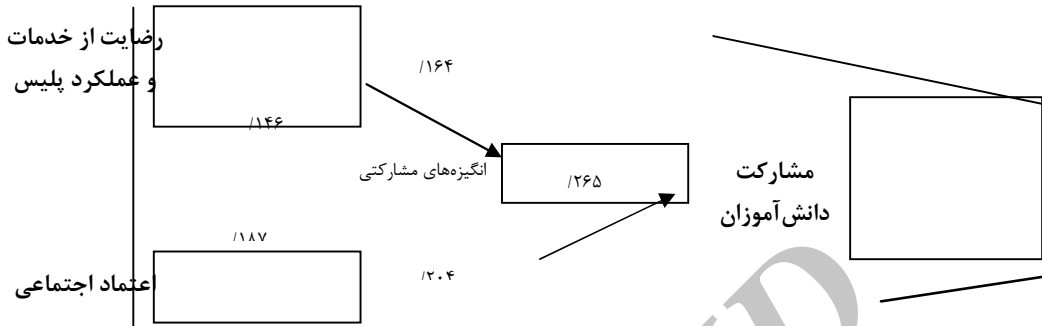


جدول ۶: ضرایب استاندارد شده و استاندارد نشده متغیرهای تحقیق

مدل	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	تی	معناداری
	بی	Std. Error	بتا		
۱ (Constant)	۲.۲۳۹	۲.۶۲۷		-۰.۸۵۲	۰.۳۹۵
اعتماد اجتماعی	۰.۰۸۶	۰.۰۸۳	۰.۰۵۵	۱.۰۳۴	۰.۳۰۳
زمینه مشارکت	۰.۴۳۷	۰.۱۷۲	۰.۱۴۶	۲.۵۳۹	۰.۰۱۲
پایامد مشارکت	-۰.۲۸۱	۰.۱۶۸	-۰.۰۹۷	-۱.۶۷۲	۰.۰۹۶
ابعاد مشارکت	۰.۱۱۷	۰.۰۵۷	۰.۱۰۷	۲.۰۶۳	۰.۰۴۰
تصور از قضاوت دیگران	۰.۳۶۲	۰.۱۹۴	۰.۱۱۱	۱.۸۷۱	۰.۰۶۳
سابقه مشارکت	۰.۲۶۵	۰.۳۰۱	۰.۰۴۶	۰.۸۸۱	۰.۳۷۹
رضایت از پلیس	۰.۰۹۵	۰.۲۰۸	۰.۰۲۶	۰.۴۵۶	۰.۶۴۹
روابط اجتماعی	۰.۰۸۷	۰.۱۶۷	۰.۰۳۲	۰.۵۲۰	۰.۶۰۳
پایبندی به مقررات	۰.۴۰۱	۰.۱۹۵	۰.۱۱۸	۲.۰۵۲	۰.۰۴۲
پیشگیری وضعی	۰.۱۱۸	۰.۲۳۱	۰.۰۲۸	۰.۵۱۲	۰.۶۱۰
احساس امنیت	۰.۰۸۲	۰.۱۱۴	۰.۰۴۷	۰.۷۱۹	۰.۴۷۳
احترام به پلیس	۰.۳۶۸	۰.۱۸۶	۰.۱۱۱	۱.۹۸۰	۰.۰۴۹
حمایت از دانش‌آموزان	۰.۳۹۴	۰.۲۲۲	۰.۱۱۱	۱.۷۷۵	۰.۰۷۸
شغل پلیس	۰.۱۷۶	۰.۱۵۳	۰.۰۷۱	۱.۱۵۰	۰.۲۵۲
احساس تعلق	۱.۰۳۷	۰.۲۰۷	۰.۳۰۹	۵.۰۲۰	۰.۰۰۰
همکاری با انجمن‌ها	۰.۴۷۸	۰.۱۷۸	۰.۱۶۱	۲.۶۸۴	۰.۰۰۸

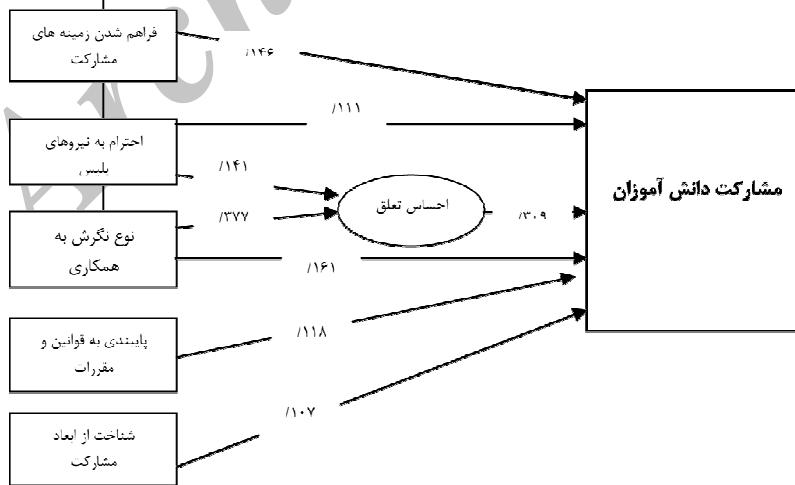
پژوهش نامه نظم و امنیت انتظامی، سال ششم، شماره اول (پیاپی بیست و یکم)، بهار ۱۳۹۲

مدل راهبردی تحلیل مسیر مشارکت دانش‌آموزان: پس از بررسی‌های موضوعی درباره مشارکت و عوامل مؤثر بر مشارکت دانش‌آموزان و همچنین تحلیل‌های آماری در سطح همبستگی و مدل‌های رگرسیونی، برای سنجش میزان اثر مستقیم و غیر مستقیم هر کدام از عوامل بر مشارکت دانش‌آموزان با ناجا، دو مدل تجربی تحلیل مسیر، طراحی شد که در ادامه آمده‌اند.



نمودار ۱: تحلیل مسیر مشارکت دانش آموزان کودکانستانی و ابتدایی

همان گونه که نمودار شماره یک نشان می‌دهد، اعتماد اجتماعی به صورت مستقیم و به میزان ۲۰ درصد بر مشارکت دانش آموزان تأثیر گذاشته، در صورتی که به صورت غیر مستقیم و با واسطه، متغیر انگیزه مشارکتی حدود ۲۶/۵ درصد بر متغیر مشارکت تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این، نمودار نشان می‌دهد که متغیر رضایت از خدمات و عملکرد نیروی انتظامی به صورت مستقیم به میزان ۱۶/۴ درصد بر مشارکت تأثیر گذاشته، در صورتی که به صورت غیر مستقیم و با واسطه، متغیر انگیزه مشارکتی حدود ۲۶/۵ درصد بر مشارکت دانش آموزان اثرگذار خواهد بود. همچنین نمودار مسیر نشان می‌دهد که ۱۴/۶ درصد از تغییرات انگیزه‌های مشارکتی با متغیر رضایت از خدمات و عملکرد پلیس و ۱۸/۰۹ درصد از تغییرات انگیزه‌های عاطفی به مشارکت با پلیس با متغیر اعتماد اجتماعی تبیین می‌شود.



نمودار ۲: تحلیل مسیر مشارکت دانش آموزان راهنمایی و متوسطه



همان‌گونه که نمودار شماره دو نشان می‌دهد، متغیر فراهم شدن زمینه‌های مشارکت به صورت مستقیم به میزان ۱۴/۶ درصد، متغیر شناخت از ابعاد مشارکت به میزان ۱۰/۷ درصد و متغیر پایبندی به قوانین و مقررات نیز ۱۱/۸ درصد بر میزان مشارکت دانش‌آموزان تأثیر مستقیم دارند، همچنین متغیرهای احترام به نیروی انتظامی نیز با واسطه متغیر احساس تعلق و به صورت غیر مستقیم، ۳۰/۹ درصد و متغیر تمایل به همکاری با انجمن‌ها و پلیس با واسطه متغیر احساس تعلق و به صورت غیر مستقیم حدود ۱۶/۱ درصد بر متغیر مشارکت اثر گذاشته است. علاوه بر این، متغیر احترام به پلیس و نوع نگرش به همکاری با پلیس به صورت مستقیم به ترتیب حدود ۱۱/۱ و ۱۶/۱ درصد بر متغیر مشارکت اثر گذاشته‌اند. همچنین متغیر احترام دانش‌آموزان به پلیس، حدود ۱۴/۱ درصد بر متغیر احساس تعلق و متغیر نوع نگرش به همکاری با پلیس، ۳۷/۷ درصد بر احساس تعلق دانش‌آموزان اثرگذار است.

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که نتایج نشان داده، بیشتر دانش‌آموزان استان مورد مطالعه اعتماد اجتماعی بالایی دارند. همچنین نتایج نشان داده که هر اندازه اعتماد اجتماعی دانش‌آموزان بالا باشد، گرایش آنان به مشارکت با نیروی انتظامی بالا خواهد رفت. مسلم است هر اندازه دانش‌آموزان رفتار مردمی را که با آنها زندگی می‌کنند، صادقانه ارزیابی کنند و همچنین اعتمادشان به همسالان و دوستان و حتی عوامل نیروی انتظامی بیشتر باشد، گرایش زیادی به مشارکت با عوامل پلیس خواهند داشت. نتایج همچنین نشان داده است که هر اندازه رضایت‌مندی دانش‌آموزان از خدمات و عملکرد نیروی انتظامی بیشتر باشد به همان میزان گرایش و تمایل زیادی به مشارکت با پلیس دارند. هر اندازه نیروی انتظامی در ارائه خدمات به افراد جامعه عملکرد مطلوب‌تری داشته باشد، تمایل افراد جامعه به مشارکت اجتماعی افزایش خواهد یافت و لازمه این کار این است که پلیس بتواند ارزیابی درستی از عملکرد خود در سطح جامعه داشته باشد.

نتایج تحقیق همچنین نشان داده است که انگیزه‌های عاطفی دانش‌آموزان می‌تواند عامل مهمی در مشارکت دانش‌آموزان با پلیس باشد. به این معنی که هر اندازه

دانش‌آموزان برای تأثیراتی که مشارکت با پلیس برای آنان به همراه دارد ارزش قائل باشند، به همان اندازه تأثیر انگیزه‌های آنان برای مشارکت بهبود خواهد یافت. علاوه بر این، هر اندازه دانش‌آموزان درباره مزایا و معایب مشارکت با پلیس بدانند، به همان میزان گرایش بیشتری برای مشارکت خواهند داشت. از طرفی اطمینان داشتن دانش‌آموزان به توانایی‌های خود نیز عاملی مهم در بهبود مشارکت آنان به شمار می‌آید. در واقع نبود اطلاع از مزایای مشارکت و فقدان اعتماد دانش‌آموزان به اینکه توانایی تغییر و همکاری با پلیس را دارند، از عواملی است که در افزایش گرایش دانش‌آموزان به مشارکت نقش دارد. همان‌گونه که از نتایج برمی‌آید، عامل شناخت دانش‌آموزان از ابعاد مشارکت نیز عاملی قوی در افزایش میزان مشارکت دانش‌آموزان خواهد بود، دانش‌آموزان احساس واقعی‌تری نسبت به مشارکت، احساس تعامل بیشتر و مسئولیت‌پذیری بیشتری خواهند داشت و در این صورت می‌توان انتظار داشت که تمایلشان به مشارکت با عوامل پلیس افزایش یابد.

علاوه بر این، همان‌گونه که نتایج نشان داده است، پایبندی دانش‌آموزان به قوانین و مقررات موجود عاملی مهم برای افزایش مشارکت حداکثری دانش‌آموزان با نیروهای پلیس خواهد بود. لازمه هر گونه مشارکت اجتماعی در امر برقراری نظم و امنیت آن است که افراد جامعه خود با قوانین و مقررات آشنایی داشته باشند و خود را موظف به رعایت این قوانین و مقررات کنند. نتایج نیز نشان داده است که هر اندازه دانش‌آموزان برای عوامل نیروی انتظامی احترام قایل باشند به همان اندازه نیز مشارکتشان با عوامل پلیس افزایش خواهد یافت. میزان ارزشی که دانش‌آموزان برای عظمت و ارزش‌های اخلاقی پلیس قایلند، عامل مهمی در افزایش مشارکت آنان در جامعه است. همان‌گونه که از نتایج نیز بر می‌آید، احساس تعلق دانش‌آموزان از عوامل اثرگذار بر مشارکت آنان با نیروی انتظامی خواهد بود. اینکه دانش‌آموزان احساس کنند به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند تعلق دارند، گرایش‌شان به اینکه با پلیس مشارکت کنند را بالا خواهد برد. هر اندازه فرد خود را متعلق به محیط زندگی‌اش بداند، تمایل بیشتری به مشارکت اجتماعی خواهد داشت. بالاخره نتایج نشان داده که نوع نگرش دانش‌آموزان نیز می‌تواند



عاملی مهم در تعیین گرایش‌های آنان به مشارکت باشد. تمایل به اجرای وظایفی که از سوی پلیس ارایه می‌شود، می‌تواند عاملی مهم برای افزایش مشارکت دانش‌آموزان باشد. در نتیجه از آنجایی که برقراری نظم و امنیت در جامعه وظیفه‌ای همگانی است، این امر مشارکت همه اقشار را می‌طلبد و چون قشر دانش‌آموزی از مهم‌ترین اقشار به شمار می‌آید، بنابراین بررسی عواملی که بر مشارکت آنها اثرگذار است، پلیس را در اجرای وظایفش یاری خواهد رساند. در این میان هر اندازه که مسئولان نیروی انتظامی با دست‌اندرکاران نظام آموزشی کشور تعامل بیشتری داشته باشند، به همان میزان عملکرد مطلوب‌تری در زمینه مشارکت دانش‌آموزان خواهند داشت. مواردی همچون، ارتقای احساس اعتماد اجتماعی، فراهم کردن زمینه‌های مشارکت، شناساندن ابعاد مشارکت، تأکید بر رعایت قوانین و مقررات، حفظ حرمت و منزلت پلیس، افزایش حس تعلق و داشتن تعهد و نگرش مثبت به اجرای وظایف پلیس، از عواملی هستند که در گرایش دانش‌آموزان به مشارکت نقش دارند و عوامل نیروی انتظامی باید به آنها توجه کافی داشته باشند.

از آنجایی که افزایش کارایی نیروی انتظامی به عنوان یک سازمان خدماتی رسمی از یک سو و تقویت ارتباطات متقابل مردم و ناجا از سوی دیگر، با افزایش مشارکت مردم در امور ناجا در راستای حفظ نظم و امنیت عمومی ملازم است، بنابراین لازم است در برنامه‌های ناجا، اول به آن دسته از عواملی که به نحوی در میزان مشارکت مردم در امور مربوط به ناجا تأثیر می‌گذارند، توجه کرد. دوم، از کلیه امکانات و منابع موجود در سطح جامعه برای ارتقای فعالیت ناجا، ارتقای سطح مهارت‌های حرفه‌ای پلیس، بالا بردن سطح دانش مردم به ویژه دانش‌آموزان که قشر عظیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند، به خصوص آگاهی آنان از قوانین و مقررات اجتماعی و نظایر آن برای تسریع جریان‌های مربوط به همکاری متقابل دانش‌آموزان و ناجا استفاده کرد.

پیشنهادها

با توجه به آنچه گفته شد، پیشنهادهای زیر به منظور تقویت مشارکت متقابل دانش‌آموزان با ناجا و افزایش کارآیی و بهبود کیفیت عملکرد نیروی انتظامی به خصوص در خدمت‌رسانی و تأمین نظم و امنیت اجتماعی آنان قابل عرضه است. پیشنهادهای ارایه شده با توجه به یافته‌های به دست آمده از تحقیق عبارتند از:

- ۱- برای افزایش اعتماد اجتماعی دانش‌آموزان لازم است بستر سازی مناسبی برای اعتماد و تبع آن افزایش مشارکت، معماران فرهنگی و برنامه ریزان اجتماعی با تقویت پایه های اعتماد بنیادین در بین افراد جامعه اعتماد دانش‌آموزان را در میان مردم و هم نسبت به عوامل پلیس افزایش داده تا از این طریق مشارکت اجتماعی را تقویت کنند.
- ۲- با برگزاری دوره‌های آموزش همگانی در مدارس کشور، می‌باید دانش‌آموزان را با پیامدها و تأثیراتی که مشارکت با پلیس به همراه دارد، آشنا کرد.
- ۳- لازم است تا نیروی انتظامی با مشارکت همه دست‌اندرکاران آموزشی، نسبت به تقویت احساس مشارکت و مسئولیت‌پذیری، از طریق تدوین برنامه‌های آموزنده اقدام کند تا از این طریق بتواند دانش‌آموزان را نسبت به ابعاد مشارکت آشنا کند.
- ۴- پیشنهاد می‌شود، عوامل نیروی انتظامی برخی قوانین و مقرراتی را که بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند در قالب بروشور، پوستر، ابلاغیه، بخشنامه و ... تهیه کنند و در اختیار مدارس و آموزشگاه‌های کشور قرار دهند تا از این طریق بتوان ضمن آشنایی دانش‌آموزان با قوانین و مقررات، آنان را نسبت به رعایت این قوانین ملزم و حساس کرد.
- ۵- پیشنهاد می‌شود تا نیروی انتظامی در جلساتی که با هدف تأمین نظم و امنیت تدارک می‌بیند، دانش‌آموزان یا نمایندگان از دانش‌آموزان را دعوت کرده و اجازه اظهارنظر در مورد مسایل امنیتی را به آنان بدهد.
- ۶- پیشنهاد می‌شود، نیروی انتظامی با هماهنگی دست‌اندرکاران آموزش و پرورش سازوکاری را فراهم کند که در صورت مشارکت دانش‌آموزان در طرح همیاری پلیس، تسهیلاتی از قبیل معافیت از خدمت سربازی، امکان تحصیل در رشته‌های مختلف علوم انتظامی و سایر مشوق‌های دیگر در اختیار آنان گذاشته شود.

- انصاری، حمید (۱۳۸۲). «پژوهشی در عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در امور مربوط به ناجا در تهران». مقالات همایش امنیت اجتماعی، تهران: معاونت اجتماعی ناجا.
- انصاریان، سعید (۱۳۷۹). «مشارکت مردم در انجام وظایف نیروی انتظامی». دسترسی: (www. Police.ir).
- حسن آبادی، ابراهیم (۱۳۸۹). «تنها راه، مشارکت مردمی است». دسترسی: (www. Police.ir).
- رجب‌زاده، عزیزالله (۱۳۸۹). «مشارکت مردم ضامن امنیت است». دسترسی: (www. Police.ir).
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۲). «سنجش گرایش روستاییان نسبت به جهاد سازندگی». تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی.
- روابط عمومی ناجا (۱۳۸۹). «مفهوم امنیت اجتماعی». دسترسی: (www. Police.ir).
- شایگان، فریبا (۱۳۸۸). «نقش سرمایه اجتماعی پلیس در جلب همکاری مردم برای برقراری نظم و امنیت». فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، سال دوم، شماره ۱، صص ۷۸-۵۹.
- شرافتی پور، جعفر (۱۳۸۶). «عوامل مؤثر بر افزایش مشارکت مردم در حوزه امنیت عمومی با تکیه بر نقش پلیس علوم اجتماعی». فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۱۱ و ۱۲.
- صفری شالی، رضا (۱۳۸۶). «راهنمای تدوین طرح تحقیق». تهران: جامعه و فرهنگ.
- کرامتی، مهدی؛ ملتفت، حسین (۱۳۸۲). «پژوهش مشارکت مردم در انجام وظایف ناجا». تهران: آشنا.
- علوی‌تبار، علیرضا (۱۳۷۹). «بررسی الگوی مشارکت کارکنان در اداره امور شهرها، تجارب جهانی و ایران». جلد اول، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهری.
- قاسمی پویا، اقبال (۱۳۸۲). «راهنمای پژوهش در عمل». چاپ چهارم، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- محمدی، غفار (۱۳۸۹). «مشارکت مردم با نیروی انتظامی امنیت را به دنبال دارد». خبرگزاری حوزه تخصصی دین. چهارشنبه ۱۱ مهرماه.